

سازگار نیست. در قاموس متجددین کشور ما «تجدد» به معنای تقلید از غرب بود. تقلید یعنی چه. یعنی شما بروید لباس کهنه‌ی کسی را بخرید و در روز عید به عنوان لباس نو تنتان کنید. تفکرات قرن نوزدهمی فرانسه و انگلیس و بقیه‌ی مناطق اروپا وارد ایران شد. صد سال از بروز این تفکرات گذشته بود، اشکالات و خدشه‌ها و نسخ و ردهای فراوانی هم بر آن وارد شده بود؛ تازه آقایان متجدد ایرانی، آن روز رفتند سراغ همان تفکرات، همان روش‌ها و حتی همان منش‌های شخصیتی ظاهری. این، تجدد است؟! این، قهقرا رفتن و عقبگرد است؛ این‌که تجدد نیست. تولید علم، فقط انتقال علم نیست؛ نوآوری علمی در درجه اول اهمیت است. ما وقتی با یک نظر بیگانه آشنا می‌شویم و ذهن ما آن اتساع لازم را پیدا می‌کند، از منبع اسلامی خودمان استفاده‌ی بهتر و کامل‌تری می‌کنیم؛ اینجا هم همین جور است. لیکن ما باید دنبال رسیدن به نظریه‌ی اسلامی ناب باشیم و از التقاط بهره‌بریم.»

بنابراین مواجهه با نظریات و راه‌کارهای بیگانه باید همراه با نواندیشی باشد و قدری انحراف از میانه‌ی مسیر به دو پرتگاه تجدد و تحجر منتهی می‌شود؛ بنابراین در مواجهه با نظریات وارداتی بایستی این اهتمام را داشته باشیم و بدون افراط و تفریط در حالت تعادلی حرکت کنیم که بتوانیم ظرفیت منابع اسلامی را به دور از التقاط، شکوفا نماییم.

برای استفاده از سازوکار گزارش‌گری مردمی در مبارزه با فساد بایستی دو ملاحظه‌ی پرهیز از تحجر و تجدد را مدنظر داشته باشیم؛ لذا در بدایت امر، کلیت سازوکار وارداتی گزارش‌گری مردمی را می‌پذیریم و طرح بحث آن را لازم می‌دانیم ولی این بدان معنی نیست که صفر تا صد آن مورد تأیید بوده و مطابق النعل بالنعل لازم‌الاجرا می‌باشد. با این نگاه، در گام اول، گزارش‌گری فساد را به نحو مطلق تبیین می‌کنیم و به تبع این شناخت، در گام دوم، قیودی را بر اجرایی ساختن این سازوکار لحاظ می‌کنیم.

گام اول: سازوکار مرسوم گزارش‌گری فساد

برای شناخت مطلق سازوکار گزارش‌گری فساد، از یک جهت، زمینه و علت بروز فساد را

تشریح می‌کنیم و از جهت دیگر، نسبت فساد با این سازوکار را تبیین می‌کنیم.

زمینه و علت بروز فساد

زندگی اجتماعی انسان بر این اساس شکل می‌گیرد که افراد در مواضع مختلف اجتماعی، در یک موضع به استخدام دیگران تمایل یافته و در موضع دیگر، توسط دیگران استخدام می‌شوند. در اثر این روابط دوسویه، اجزای مختلف اجتماع به هم می‌پیوندند. بدین ترتیب، هر فرد در زندگی اجتماعی، در عین منتفع شدن از دیگران، باید به آن‌ها نیز انتفاع رساند و در صورتی که نفع و انتفاع به وزان همدیگر باشد، «اجتماع تعاونی» محقق می‌شود. در این اجتماع، با رعایت قوانین به گونه‌ای روابط و نسب میان افراد به تعادل می‌رسد که «عدالت اجتماعی» برقرار شده و منافع جمیع افراد به سمت منافع عمومی جهت‌گیری می‌نماید.

عرصه تعارض دوگانه

با اینکه افراد در این اجتماع بایستی مطابق با قانون در جهت تأمین منافع عمومی فعالیت کنند ولی عده‌ی خاصی از افراد، با نقض قوانین بر خلاف منافع عمومی اجتماع جهت‌گیری می‌کنند و در نتیجه، منفعت آن‌ها با منفعت اجتماع

۹۹ راه‌کار «سوت‌زنی» ایجاب می‌کند که آن فساد، توسط عموم افراد، در نقش «سوت‌زن» افشا شود و نسبتی از منفعت کشف جرم به آن‌ها نیز تعلق گیرد. در واقع، مضاف بر تعارض میان منافع فرد متخلف و منافع اجتماعی، شخص سومی در این تعارض دخیل می‌شود، زیرا به واسطه‌ی قانون گزارش‌گری فساد، عرصه‌ی تزااحات گزارش‌گری فساد، عرصه‌ی تزااحات گسترش می‌یابد. تا پیش از این قانون، بازیگران عرصه‌ی تعارض منافع، محدود به عده‌ی خاصی از افراد بوده که «متخلف» شناسایی می‌شدند ولی اکنون این محدودیت برداشته شده و عموم افراد با سوت‌زنی می‌توانند به عنوان بازیگران آن عرصه، فعال شوند. ۶۶

متعارض می‌گردد و به دنبال تعارض دوگانه‌ی میان منافع فرد و اجتماع، «فساد» پدید می‌آید.

نسبت‌یابی فساد و سازوکار گزارش‌گری فساد

پس از بیان زمینه و علت بروز فساد این سؤال مطرح است که آیا سازوکار گزارش‌گری فساد می‌تواند فساد را رفع نماید؟ اساساً روش گزارش‌گری فساد، تخلف از قوانین مصوب را گزارش می‌کند. این گزارش، خارج از سازوکار نظارت رسمی و متمرکز، توسط عموم افراد افشا می‌شود و در قبال این گزارش‌گری، پاداشی در نسبت با جریمه‌ی افراد متخلف پرداخت می‌شود. همچنان که در بیان گذشت، علت بروز این مفاسد، تعارض میان منافع فرد و اجتماع می‌باشد؛ یعنی منفعت فرد متخلف با منافع سازمان یا به طور کلی اجتماع، متعارض شده و به فساد منجر می‌شود.

در رفع این تعارض، راه‌کار «سوت‌زنی» ایجاب می‌کند که آن فساد، توسط عموم افراد، در نقش «سوت‌زن» افشا شود و نسبتی از منفعت کشف جرم به آن‌ها نیز تعلق گیرد. در واقع، مضاف بر تعارض میان منافع فرد متخلف و منافع اجتماعی، شخص سومی در این تعارض دخیل می‌شود، لذا کشف فساد توسط سوت‌زن به مثابه «تعارض منافع مضاعف» تحلیل می‌شود، زیرا به واسطه‌ی قانون گزارش‌گری فساد، عرصه‌ی تزااحات گسترش می‌یابد. تا پیش از این قانون، بازیگران عرصه‌ی تعارض منافع، محدود به عده‌ی خاصی از افراد بوده که «متخلف» شناسایی می‌شدند ولی اکنون این محدودیت برداشته شده و عموم افراد با سوت‌زنی می‌توانند به عنوان بازیگران آن عرصه، فعال شوند. در نتیجه، منفعت سوت‌زن از یک سو، با منفعت فرد متخلف و از سوی دیگر، با منافع اجتماع متعارض می‌گردد. ناگفته نماند که در این تحلیل، قصد و غرض یا نیت سوت‌زن مدنظر نبوده و متعرض آن نمی‌شویم، بلکه به صرف منفعتی که در قبال گزارش فساد کسب می‌شود، سوت‌زن را به عنوان یک طرف از عرصه‌ی متعارضات وارد می‌کند.

به طور خلاصه، طبق تحلیل علت اصلی بروز فساد، عده‌ی خاصی از افراد با دست‌اندازی به منافع اجتماع، در یک تعارض طرفینی وارد می‌شوند؛ اما روش گزارش‌گری فساد (سوت‌زنی)،